



دیدگاه علامه طباطبایی درباره نقش اجتماع در تأمین عدالت

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: علامه طباطبایی معتقد است چون دولت در طول اجتماع قرار دارد، خود اجتماع موقعیت ویژه‌ای در تأمین عدالت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: علامه طباطبایی معتقد است چون دولت در طول اجتماع قرار دارد، خود اجتماع موقعیت ویژه‌ای در تأمین عدالت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد.

به گزارش خبرنگار ایکننا، نشست «عدالت سیاسی در قرآن کریم» امروز یکشنبه ۲۷ فروردین ماه از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین احمدرضا یزدانی مقدم، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در این نشست سخنرانی کرد.

در ادامه متن سخنان وی را می‌خوانید؛

برای عدالت، تعاریف مختلفی ارائه شده و از مهمترین تعاریف این است که هر چیزی در جای خود قرار گیرد یا حق هر کسی به او داده شود. ما در قدم اول، درباره عدالت سیاسی به همین معنا صحبت می‌کنیم. عدالت سیاسی با این تعریف بدین معنی است که هر کسی در جای خودش قرار داشته باشد و حقش به او داده شود. حال سؤال این است که آیا در جهان کسانی که کشورها را اداره می‌کنند در جای مناسب خود قرار دارند یا خیر؟ واقعیت این است کسانی که در پست‌های سیاسی هستند لزوماً در سیاست تخصص ندارند بلکه ممکن است تخصص آنها در زمینه حقوق، اقتصاد و ... باشد. در برخی از کشورها نیز افراد در قالب حزبی یا با داشتن صلاحیت‌هایی به مقام تصمیم‌گیری می‌رسند. معنای لغوی عدالت سیاسی

در روایت آمده که پیامبر(ص) فرمود: اگر قومی امور ولایت خود را به شخصی بدهند در حالی که بهتر و متخصص‌تر از آن شخص بر اداره آن قوم وجود دارد اینها در حال سقوط و پائین رفتن هستند. همچنین از پیامبر(ص) نقل شده که فرمود: اگر شخصی امامت جامعه را بر عهده بگیرد در حالی که داناتر از او وجود دارد این قوم تا قیامت در حال سرازیری و سقوط هستند. حال آیا می‌توانیم از آیات قرآن استفاده کنیم که کار سیاست را باید به متخصصان سیاست سپرد یا خیر؟ معتقدم یکی از آیاتی که می‌توان چنین امری را از آن استنباط کرد آیه ۵ سوره مبارکه نساء است که خدای متعال فرموده است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید». بر اساس این آیه شخص یا اشخاصی که می‌خواهند اداره جامعه را بر عهده بگیرند باید توانایی لازم را داشته باشند چون مردم نباید اموال خود را در اختیار شخص سفیه قرار دهند.

سفیه هم کسی است که توانایی اداره اموال خود را ندارد و طبیعتاً توانایی اداره اموال دیگران را ندارد. از سوی دیگر وقتی نباید مال خود را در اختیار سفیه قرار دهیم طبیعتاً اداره امور سیاسی را نیز نباید به کسی بدهیم که توانایی آن را ندارد. لازم به ذکر است اگر از لحاظ عدالت سیاسی بخواهیم تحقیق و پژوهشی در آیات قرآن داشته باشیم آیات زیادی در اینباره وجود دارد. البته ممکن است دقیقاً با عنوان عدالت سیاسی مورد اشاره قرار نگرفته باشد اما از آیات زیادی می‌توان عدالت سیاسی را تفسیر کرد.

معنای اصطلاحی عدالت سیاسی

البته علاوه بر معنای لغوی، عدالت سیاسی دارای معنای اصطلاحی هم هست. در اینجا پرسش‌هایی وجود دارد از جمله اینکه آیا دولت مشروع است و قابلیت توجیه عقلی دارد؟ آیا دولت عادل است؟ روابط دولت و اجتماع چگونه باید باشد تا بگوئیم که این دولت عادلانه است؟ بنابر آیات قرآن چگونه می‌توانیم بگوئیم فلان دولت عادلانه است یا خیر؟ علامه طباطبایی به آیه شریفه ۱۹۵ سوره آل عمران استناد می‌کند که خداوند فرموده است: «قَاسِمَاتِجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أِيَّيْ لَا أُضِيعَ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ ۖ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ قَالَتِينَ هَاجِرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتِلُوا وَقَاتِلُوا لِكُفْرِنَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ تَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ التَّوَابِ؛ پس خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچ کس از مرد و زن را بی‌مزد نگذارم، زیرا شما از یکدیگرید (و همه در نظر من یکسانید)، پس آنان که از وطن

خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بديهای آنان را بیوشانم و آنها را به بهشت هایی درآورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از جانب خدا، و نزد خدا است پاداش نیکو» ایشان می فرماید برای اینکه دولتی به وجود بآید باید اول اجتماع به وجود بیاید و با پدید آمدن این جامعه قدرت سیاسی نیز شکل می گیرد پس حکومت متعلق به آحاد مردم است.

مرحوم آیت الله نائینی نیز در کتاب خود با عنوان «تنبيه الأمة و تنزيه الملة» ده ها بار به آیات قرآن کریم اشاره کرده و دولت را متعلق به مردم می داند. مخصوصاً ذیل آیه ۳۲ سوره نمل که خداوند فرموده است: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ؛ آن گاه گفت: ای رجال کشور، شما به کار من رأی دهید که من تاکنون بی حضور شما به هیچ کار تصمیم نگرفته ام» این موارد هم نشان می دهد که حکومت به عنوان یک مجری متعلق به مردم است. همچنین به آیه ۱۵۹ سوره آل عمران اشاره می کند که خداوند فرموده است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» این هم نشان می دهد که حکومت متعلق به مردم است تا جایی که پیامبر هم با مردم مشورت کرده است بنابراین حکومتی که با رأی و نظر مردم سر کار بیاید حکومتی عادلانه است. به همین دلیل امام خمینی(ره) می فرمایند میزان رأی ملت است. این سخن مبنای فقهی و سیاسی دارد. جایگاه عقل در قرآن

سؤال دیگر این است که آیا دولت باید به عدالت عمل کند؟ دلیل اهمیت این مسئله این است که در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا؛ همانا خدا به شما امر می کند که امانتها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می دهد، که خدا شنوا و بیناست» (نساء/ ۵۸) این قضاوت و داوری از شئون حکومت است که با عدل محقق می شود. آیات و روایات دیگری نیز با این مضمون وجود دارد. از سوی دیگر عدل به وسیله مردم و عقل و شرع و عرف قابل تشخیص است. همچنین علامه طباطبایی معتقد است چون دولت در طول اجتماع قرار دارد، خود اجتماع موقعیت ویژه ای در تأمین عدالت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد.

سؤال دیگری که وجود دارد این است که روابط دولت و اجتماع چگونه باید باشد تا عادلانه باشد؟ خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا؛ همانا این قرآن (خلق را) به راست و استوارترین طریقه هدایت می کند و اهل ایمان را که نیکوکار باشند به اجر و ثواب بزرگ بشارت می دهد» (اسراء/ ۹) علامه طباطبایی درباره «أَقْوَمُ» می فرمایند به معنای استوارتر است و منظور هم استوار بودن از منظر عقلی است یعنی وقتی عقل بررسی می کند به این نتیجه می رسد که قرآن احکام عادلانه دارد و ما را به راه درستی می برد لذا عقل می تواند حکم کند نظام سیاسی الف بهتر از نظام سیاسی ب است همانگونه که عقل جمعی ایرانیان در سال ۱۳۵۷ حکم کرد که نظام سیاسی جمهوری اسلامی بهتر از پادشاهی است.